



شورای عالی حوزه های علمیه الزهرا (س)

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

مدرسه ی علمیه الزهرا(س)

شهرستان خوی

تجمل گرایی و راهکارهای مبارزه با آن

ویژه جشنواره محمد بن خلیلان

استاد راهنما :

سرکار خانم هنرور

پژوهشگر :

فرحناز فاضل

طلبه سطح ۲ پایه ۲

پاییز ۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده :

تجمل گرایی به معنای رغبت کردن و توجه به ظواهر زندگی است که کم و بیش در هر زندگی وجود دارد و یکی از معضلات جامعه ی کنونی می باشد که ریشه های آن عبارت است از حسادت و حقارت و کبر و غرور و ... در این مقاله سعی شده برای اصلاح این معضل بیشتر از منظر قرآن و روایات به مسئله توجه شود ؛ زیرا که راهنمای جامع ما در مورد مسائل دینی و اخلاقی به بیان حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دو چیز است : قرآن و عترت ؛ و لذا ما باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که علاوه بر منابع مورد استفاده ی ما ، دلایل عقلی و فطری بسیاری وجود دارد که این رذیله اخلاقی را مورد مذمت قرار داده است .

کلید واژه : تجمل ، تجمل گرایی ، اسراف ، چشم هم چشمی ، کبر و غرور ، مصرف زدگی

مقدمه :

تجمل گرایی اصطلاحی است مرکب از دو واژه « تجمل » به معنای خود را زینت دادن و آراسته شدن و « گرایی » به معنی میل و رغبت کردن ؛ پس تجمل گرایی به معنای رغبت کردن و توجه به ظواهر زندگی است که کم و بیش در هر زندگی وجود دارد . تجمل اگر به معنای زیبا جلوه کردن و مرتب و منظم بودن و رفع نیاز های زندگی و عدم فقر در نظر بگیریم ممدوح و ستایش شده هم از نظر دین و هم از نظر عرف می باشد که اثرات مطلوبی نیز بر زندگی خواهد داشت . که از آن جمله می توان به اتکا به نفس ، اظهار بی نیازی در برابر مردم و حفظ عزت نفس اشاره کرد . اما اگر تجمل را به معنای اسراف و تبذیر طبق چشم هم چشمی عمل کردن و ریخت و پاش های بی مورد در نظر بگیریم مذموم و مورد نکوهش هم دین و هم مردم است و اثرات نا مطلوب روانی ، فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی به دنبال خواهد داشت . که از آن جمله می توان به تربیت فرزندان زیاده خواه ، فخر فروشی ، غفلت از یاد خدا ، از بین رفتن صمیمیت بین افراد و ... اشاره کرد . در مقاله ی پیش رو از منابع موثقی چون ؛ معراج السعاده و گناهان کبیره و تفسیر نمونه استفاده شده است.

تجمل از نظر لغوی :

تجمل از نظر لغوی : « به معنای آرایش کردن و زیبا شدن است » (فرهنگ ابجدی عربی - فارسی ، ص ۲۱۰)

در روایات از خود تجمل « به معنای زیبا شدن و آراستن » مدح شده است ؛ همانطور که از امام صادق (علیه السلام) نقل است که : « خدای - عزوجل - جمال (زیبایی) و تجمل (زینت کردن) را دوست داشته و چرک آلودی و اظهار فقر را ناخوش دارد ». (محمد بن الحسن ، حر عاملی ، وسائل الشیعه ، قم ، انتشارات موسسه آل البيت ، ج ۵ ، ۱۴۰۹ ، ص ۷)

اگر تجمل را به معنای لغوی آن که زیبایی و آراستن باشد بدانیم ، باید گفت که این موضوع نه تنها مورد مذمت نبوده بلکه مدح و ستایش از آن نیز شده است ؛ و در آنجایی که خود این لفظ به کار برده شده ، جهت مثبت آن مورد نظر است . خداوند در قرآن کریم می فرماید : « اَعْلَمُوا أَنَّما الْحَیْاهُ الدُّنْیَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِیْنَةٌ ... » (حدید ، آیه ۲۰) ؛ « بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و... »

مقصود از زینت در این آیه ، تجمل پرستی و اسراف و تبذیر بوده و مربوط به کسانی است که ، فکر و ذکرشان تا دم مرگ فراهم کردن خانه و مرکب و لباس زینتی باشد . (ناصر ، مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، دار الکتب اسلامیة ، تهران ، ج ۱ ، ۲۳ ، صص ۳۵۱-۳۵۲)

معنای اصطلاحی تجمل :

معنای اصطلاحی تجمل : پس می توان معنای اصطلاحی تجمل (زینت) ، با توجه به قرآن کریم و احادیثی که در مذمت وابستگی به دنیا وارد شده ، این است : رفاه زدگی ، دنیا زدگی ، عیاشی ، خوش گذرانی بی حد و مرز ، کثرت طلبی در ثروت ، بی توجهی به قناعت کردن و ...

تجمل گرایی نهاد بارز و آشکار مال دوستی است و سر از دنیا پرستی در آورده که رأس و ریشه ی هر خطایی است : « ریشه ی هر گناهی دنیا دوستی است ». (وسایل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۸)

و زندگی اینگونه از مسیر حق و عدالت منحرف ، و از جاده ی انسانیت و فضیلت به دور و از میانه روی و اعتدال فرا

اینها ، او زاهد نیست ، و اصلاً مرتبه ی زاهد برای وی نیست . (معراج السعاده ، ص ۳۶۳)

مخفی نماند که زهد ، یکی از منازل راه دین و بالاترین مقامات سالکین است . پروردگار عالم ، جَلَّ شَأْنُهُ ، در کتاب کریم خود می فرماید : « وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ » ؛ « و به سوی آنچه گروه هایی از کافران را بدان بهره مند ساخته ایم چشم مدوز. ما زینت زندگانی دنیا را برای کافران مقرر کرده ایم تا آنان را در آنچه داده ایم بیازماییم » (طه ، آیه ۱۳۱)

و در جای دیگر می فرماید : « مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ » ؛ « هر کس کشت آخرت بخواهد ما به کشت او می افزاییم و پاداشش را افزون می کنیم ، و هر کس کشت دنیا بخواهد ، از دنیا - کم یا زیاد - به او می دهیم ولی در آخرت هیچ بهره ای نخواهد داشت. » (شوری ، آیه ۲۰) (ملا احمد ، نراقی ، معراج السعاده ، مولف ؛ ملا احمد نراقی ، قم ، نشر بهار دلها)

قناعت و بی نیازی :

قناعت و بی نیازی : قناعت گنجی پایان ناپذیر است که برخوردار از آن ، آدمی را از دنیا طلبی برکنار می دارد و به او آرامش می بخشد و زندگی اش را زیبا و آسان می سازد . حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید : « مَنْ عَقَلَ قَنَعَ » ؛ « هر کس که دارای خرد باشد ، قناعت پیشه می کند » . (غررالحکم ، ج ۱ ، ص ۳۳۰)

قناعت یعنی سیر بودن چشم و دل از مظاهر دنیا و پرهیز از فزون خواهی که از والاترین کمالات انسانی به شمار می آید . امیر مومنان علی (علیه السلام) قناعت را « بستری برای زندگی متعالی و والا » و عاملی برای ره یابی به زندگی ای پاکیزه و گوارا تعریف می کند . (نهج البلاغه ، حکمت ۲۲۹)

انسان های عاقبت نگر و باهوش ، برای رسیدن به دولت مندی و بی نیازی حقیقی ، به راه قناعت نه زر اندوزی و انباشت ثروت می روند . ارسطو گفته است : « طالب کن بی نیازی از دنیا را به وسیله ی قناعت ؛ زیرا آنچه انسان را بی نیاز می سازد ، قناعت است ، نه مال » . (سید یحیی برقعی ، چکیده ی اندیشه ها ، ج ۱ ، ص ۱۵۳)

در قناعت ، لب خشک و مژه پر نم نیست
عالمی هست در این گوشه که در عالم نیست

برخی از افراد ، قناعت را فقر یا خود بسایی وضع موجود و اوضاع نکبت بار فهمیده اند ، اما چنین فهمی نادرست و با روح دین و آموزه های آن ناسازگار است ، زیرا دین هیچ پدیده ی اجتماعی را به اندازه ی فقر ، طرد و رد نکرده است . علی (علیه السلام) به فرزندش محمد بن حنیفه فرمود : **يَا بُنَيَّ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ، فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ! مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛** (نهج البلاغه ، حکمت ۳۱۹)

بنابر این قناعتی که علی (علیه السلام) انسان ها را بدان فرا خوانده است ، سر کردن با فقر و ناداری نیست ، بلکه راضی شدن به « کفاف » است ؛ یعنی آدمی به اندازه ی معقول و متعادلی از دارایی رضایت دهد و خود را اسیر آز و فزون خواهی نکند ؛ چنانکه خود فرموده است : **« مَنْ أَقْنَعَ بِالْكَفَافِ أَدَاهُ إِلَى الْعِفَافِ »** ؛ « هر که به کفاف قناعت کند ، او را به پاکی کشاند » . (غرر الحکم و درر الحکم ، ج ۵ ، ص ۳۵۷)

انسانی که اهل قناعت شده به فرموده ی مولایش علی (علیه السلام) : **« با کفاف زندگی می کند تا آسایش ، گشایش و آرامش را به دست آورد »** . همچنین ، قناعت موجب آزادی انسان از غل و زنجیر آزمندی می شود ، نه مانع استفاده از امکانات به اندازه ی متعارف و معقول و اینگونه بهره مندی از امکانات ، زمینه ی درست رسیدن به کمالات است ؛ چنانکه علی (علیه السلام) می فرماید : **« إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعَالِ صِيَانُهُ الْعَرِضَ بِالْمَالِ »** ؛ « همانا بهترین کار ها ، نگه داری آبرو با مال است » . (حسن بن شیعہ ، تحف العقول ، ص ۶۳)

آرزو های مادی ؛ انسان را به خواری می کشاند ، اما استغنا و بزرگ منشی ، انسان را بلند طبع و بی نیاز می سازد . **« الْغِنَى عَنِ الْمُلُوكِ أَفْضَلُ مُلْكٍ »** ؛ « برترین سلطنت ، بی نیازی از پادشاهان است » . (غرر الحکم ، ج ۱ ، ص ۳۵۱)

گفتار زیبای امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول رحمت نیز در این باره خواندنی است : **« اَللّٰهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ الْعِفَافَةَ وَ الْكَفَافَ »** ؛ « خدایا ! به محمد و آل محمد و دوستدارانشان ، پاک دامنی و کفایت و روزی عطا کن .

ایشان همچنین فرموده اند : « لیسَ الْغِنَى عَنْ كَثَرِهِ الْعَرَضُ
إِنَّمَا الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ » ؛ « بی نیازی به فراوانی ثروت
نیست ، بی نیازی تنها بر خورداری از روحیه بی نیازی است
« . (محجّه البیضاء ج ۶ ، ص ۵۱) (حسین، اسحاقی، اخلاق
بهشتیان ، قم ، خادم الرضا ، انتشارات خادم الرضا)

نتیجه گیری :

دین اسلام برای مبارزه با تجمل گرایی مردم را به ساده زیستی و زهد دعوت می کند چرا که زهد به معنی بی میلی و بی رغبتی به دنیا و عدول از آن به آخرت است . یکی از موارد زهد این است که دنیا و نعمت های آن در نظر انسان بزرگ جلوه نکند ، اگر مومن به این باور برسد که ثروت های دنیایی اندک و حقیر است و در برابر آخرت ارزشی ندارد به هیچ وجه از محروم ماندن از ثروت دنیا ناراحت نمی گردد و به کسانی که ثروت دنیا را فراهم کرده اند حسرت نمی خورند . اصلاح الگوی مصرف را باید با تمام وجود به عنوان یک ضرورت دینی و ملی باور کرد و مصرف را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کرد . و عواملی مانند حسادت ، خود کم بینی ، احساس حقارت ، تفاخر و مانند آن موجب می شود که بسیاری خود را به زحمت بیندازند تا پولی را از اینجا و آنجا با قرض کردن به دست آورند و مجالس آنچنانی برای مراسم های ازدواج و حتی ولیمه ی حج و مانند آن بر پا کنند ، که یاد مرگ و قناعت و زهد جلوی این رذایل را می گیرد و مصرف به صورت اعتدال در آمده و از تجمل گرایی پرهیز می کند .

منابع و مأخذ :

- ۱-قرآن کریم
- ۲-نهج البلاغه
- ۳-آرام ، احمد ، الحياه ، ج ۳ ، ص ۵۰۲
- ۴-اصفهانی ، راغب ، مفردات الفاظ قرآن کریم ، مترجم خسروی حسینی ، ص ۷۲۶
- ۵-ایروانی ، جواد ، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی ، گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث ، مشهد ، دانشگاه علوم اسلامی رضوی ، ۱۳۸۷
- ۶-اکبری ، محمود ، اسراف ، تباهی سرمایه ها ، قم ، فقیان ، ص ۳۰ و ۳۱
- ۷-اسحاقی ، حسین ، اخلاق بهشتیان ، قم ، انتشارات خادم الرضا
- ۸-خادمی کوشا ، محمد علی ، جوان در پرتو اهل بیت ، قم ، بوستان کتاب ، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم ، ص ۱۳۸۲، ۱۱۳
- ۹-دستغیب شیرازی ، عبدالحسین ، گناهان کبیره ، تهران ، انتشارات صبا ، ج ۲
- ۱۰-مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، دارالکتب اسلامیة ، تهران ، چ ۱ ، ج ۲۳ ، ص ۳۵۱-۳۵۲
- ۱۱-مظاهری ، حسین ، اخلاق در خانه ، قم ، نشر اخلاق ، ۱۳۷۴
- ۱۲-نراقی ، ملا احمد ، معراج السعاده ، قم ، نشر بهار دلها
- ۱۳-ورام بن ابی فراز ، ابوالحسن ، ادب و اخلاق در اسلام ، انتشارات : ذ مشهد ، بنیاد پژوهش های اسلامی ، ۱۳۸۴